

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

زمری از المان

۰۸ دسمبر ۲۰۱۱

شبنامه نویس را پیامبر گونه بشناسید

من هم مانند دیگران منتظر بودم که چه وقت نام شبنامه نویس افشاء خواهد شد تا او را بشناسیم. ولی مثلی که آقای "موسوی" حوصله فراوان دارند و به این زودی ها چنین کاری را نمی کنند. اما حوصله من سر رفت و برای حل این مشکل مراجعه کردم به پیغمبر اسلام و از ایشان در شناخت شبنامه نویس مدد خواستم. ایشان فوراً مرا کمک نمودند و ماهیت و شخصیت و محیط و رفقای شبنامه نویس را درست به من معرفی کردند، بعد خیالم راحت شد و از وابستگی به نوشته های آقای "موسوی" نیز برآمدم. حیف دانستم که همین کمک را به خوانندگان منتظر این قضیه پر سر و صدا نکنم. حال من واسطه می شوم تا شما نیز به شناخت پیامبر گونه از شبنامه نویس دست یابید.

روایت است که روزی پیامبر اسلام با جمعی از صحابه و یارانش به طرف شهری روان بودند که بار اول بود از آن دیدن می کردند. دربین راه به مسافری برخوردند که از آن شهر به بیرون می آمد. عده ای از همراهان پیامبرخواستند قبل از ورود به شهر معلوماتی درباره مردم آن به دست بیاورند، به این منظور به آن مسافر نزدیک شده و از او پرسیدند مردم این شهر را چگونه دیدی؟ مسافر گفت:

مردم این شهر را با شرف، با تقوا، متدین و خلاصه متصف به همه خوبی ها یافته است. پیامبر به تأیید قول مسافر گفت راست می گوئی. لحظه ای بعد مسافر دیگری از همان شهر بیرون آمد، باز عده ای از همراهان پیامبر دور او را گرفته و از او پرسیدند که مردم این شهر را چگونه دیدی؟ این مسافر خلاف اولی گفت:

مردم این شهر را فاسد، زانی و جانی، دزد، دغلباز و خلاصه عصاره همه بدی ها دیده است. باز هم پیامبر اسلام قول او را تأیید کرده و گفت تو راست می گوئی. و سرانجام در نزدیکی های شهر به مسافر سومی برخوردند و باز دور او را گرفته و همان سؤال را از او کردند. این مسافر گفت: این شهر هم مردم خوب دارد و هم مردم بد. از پاکترین و متقی ترین و دانشمند ترین آدمها تا فاسد ترین آنها را می توان در این شهر یافت. پیامبر اسلام به این مسافر هم گفت تو راست می گوئی.

همراهان پیامبر که از این برخورد او متعجب شده بودند پرسیدند یا پیامبر این سه مسافر جوابهای مختلف و ضد و نقیض دادند ولی شما هر سه شان را تأیید کرده و به هریک گفتید تو راست می گوئی؛ این چگونه ممکن است؟

پیامبر گفت بلی هر سه شان راست می گفتند به این معنی که هر یک از محیطی که خود در متن آن زندگی و بود و باش داشته حکایت می کردند. مسافراولی که خودش آدم پاک، با تقوا، باشرف و متصف به صفات نیک بود در محیط مناسب خودش زندگی کرده بود و اطرافیانش همه مثل او پاک و منزه بودند. او از محیط شر و فساد و .. اطلاع نداشت بناءً آنچه گفت چشم‌دیش از محیط هستی متناسب با شخصیت خودش می گفت و درست میگفت. مسافر دومی که خودش انسان آلوده به همه پستی ها و ذالتهای بود در محیط متناسب به شخصیت خود زندگی کرده بود و نمی توانست از آنجا و با آن شخصیت، خوبیها و محسنات شهر را ببیند و لذا او هم در تعریف شهری که او دیده بود راست می گفت. مسافر سومی کسی بود که با هر دو محیط تماس گرفته بود لذا هم خوب را دیده بود و هم بد را پس او هم راست می گفت. لذا قضاوت و حکم هر کدام متناسب با شخصیت و چگونگی محیط و اطرافیانی است که او با آنها زندگی می کند و سر و کار دارد.

وقتی من به احکامی از شبنامه در نوشته های آقای "موسوی" برخوردم این شخص در تمام محیط هائی که از آنها یاد می کند، از کوارترهای یک سازمان انقلابی که شخصیت هایش نمونه های برجسته بهترین اخلاق انسانی بوده و هستند تا محیط های خانوادگی و سرانجام کشور متنوع الکتور هشتاد و پنج ملیونی المان جز به مسایل زیر ناف به چیز دیگری نمی اندیشد، پس به معیاری که پیامبر داده این چه نوع انسانی است، در چه جو و محیطی زیسته است و یاران و رفقاییش چگونه مردمی باید باشند؟ در مورد کوارترها آقای "موسوی" و در مورد فامیلیها خانمهای مبارزی چون خانم نسرین معروفی، خانم رحیمه توحی و خانم جمیله منصوری نوشته های جاندار، علمی و کوبنده ای به نشر سپرده اند و هیچ خالیگاهی باقی نمانده است.

در مورد حکم "سکستان" و به ترجمه آقای موسوی "فاحشه خانه" به یک کشور کثیرالمله با میلیونها انسان، باید گفت که شبنامه نویس و همراهان اروپا نشینش فقط از روی مناسبات پست خودشان به چنین نتیجه ای رسیده اند. در غیر آن چگونه می توان جامعه ای را که از آغوش آن هزاران هزار دانشمند و فیلسوف و متفکر و متخصص و طبیب و ... به جهان عرضه شده و زادگاه و پرورشگاه بزرگانی چون هگل، فویر باخ، مارکس، انگلس، گویتیه و ... بوده است آن را در بست فاحشه خانه گفت؟ باز هم به همان نتیجه باید رسید که پیامبر گفت یعنی آنچه شبنامه نویس می گوید انعکاسی از شخصیت، محیط زیست او و اطرافیانش می تواند باشد و بس. بناءً فکر می کنم حال ما همه شخصیت و تربیت شبنامه نویس و همراهانش را شناخته ایم، دیگر فرقی نمی کند که او و یا آنها چه نام دارند.